

صنفي نتوانند به‌طور مؤثر در تنظيم‌گري اين حوزه نقش ايفا کنند و حتي پاسخگوي تخلفات صنفی خود باشند.

فقدان ضابطه در شبکه نمایش خانگی

باید گفت که قطعاً اختلافات در حوزه تنظیم‌گری به ضرر اصناف است. این اختلافات نه تنها باعث تضعیف جایگاه صنف‌ها می‌شود، بلکه فضایی را ایجاد می‌کند که نهادهای خارج از صنف بتوانند به‌راحتی وارد شده و نقش‌آفرینی کنند. این موضوع می‌تواند به از دست رفتن اعتماد عمومی به صنف و کاهش نقش آنها در تنظیم‌گری منجر شود و به نهادهای غیر متولی اجازه می‌دهد تا با سهولت بیشتری در امور رسانه‌ها دخالت کنند. برای جلوگیری از این آسیب، لازم است که صنف‌ها به وحدت رویه برسند و با همکاری یکدیگر، چهارچوب‌های تنظیم‌گری را تدوین کنند. لازم است که دولت و مجلس با همکاری اصناف، یک قانون جامع و مدون در حوزه رسانه‌های تصویری تدوین کنند که حقوق و وظایف همه طرف‌ها را به‌طور شفاف مشخص کند. برخی نگرانند که اگر مجوزدهی رسانه‌ها به تشکل‌های صنفی سپرده شود، آنها هم ممکن است در سانسور محتوا نقش داشته باشند. به هر حال باید توجه داشت نظارت بر تولید محتوا در جامعه‌ای که ارزش‌های سنتی، مذهبی و فرهنگی خاص خود را دارد امری ضروری است چرا که یک اشتباه در تولید یک محتوای نامناسب ممکن است مضرات بسیاری را ایجاد کند از سوی دیگر در تمام دنیا این نظارت بر محتوا با توجه به فرهنگ آن جامعه اعمال می‌گردد، لذا بهتر است به جای استفاده کردن از کلمه منفی سانسور محتوا از عبارت رعایت یک‌سری الگوها و قواعد مورد حساسیت جامعه استفاده کنیم، اگر وزارت ارشاد بتواند به‌عنوان متولی با همکاری فعالان تولیدکنندگان محتوای ویدیویی این چهارچوب‌ها را مشخص کند مسلماً جلوی بسیاری از اعمال سلیقه‌های شخصی گرفته شده و تکلیف همه فعالان این صنف مشخص می‌گردد. علاوه بر این، لازم است که یک نهاد مستقل و بی‌طرف برای نظارت بر عملکرد تشکل‌های صنفی و رسیدگی به شکایات مربوط به مجوزدهی ایجاد شود.

یک نظام صنفی قوی و مستقل می‌تواند به‌تدریج نقش تنظیم‌گری صنف مربوطه را از نهادهایی که در امور صنف آنان دخالت می‌کنند پس بگیرد، اما این امر نیازمند حمایت قانونی است. صنف‌ها باید بتوانند با تکیه بر قوانین شفاف و حمایت‌های حقوقی، جایگاه خود را تثبیت کنند و از دخالت سایر نهادهای جلوگیری کنند. البته تنظیم‌گری قوانین مربوط به تلویزیون خود بحث جداگانه‌ای است که در این مقاله نمی‌گنجد، چرا که صدا و سیما چهارچوب‌های مربوط به تولید محتوا را برای خود تنظیم کرده و موضوعات مرتبط به شبکه‌های ویدیویی خانگی هستند که در حال حاضر فاقد اصول و ضابطه مشخص هستند و در واقع نهادهای زیربسط قصد دارند آن چهارچوب‌ها را هم درمورد رسانه‌های تولیدکننده محتواهای ویدیویی اعمال کنند که همین امر باعث بروز اختلاف دیدگاه و عدم شفافیت خواهد شد.

همچنین، صنف‌ها باید بتوانند با ارائه عملکرد مؤثر و شفاف، اعتماد عمومی و حمایت فعالان حوزه رسانه را جلب کنند. تنها در این صورت است که می‌توانند به‌عنوان تنظیم‌گر اصلی شناخته شوند، اما این به معنای سلب کامل وظیفه و تنظیم‌گری از تلویزیون نیست. تلویزیون به‌عنوان یک رسانه عمومی، وظایفی در قبال جامعه دارد و باید در چهارچوب قانون و با رعایت استانداردهای حرفه‌ای، به این وظایف عمل کند.

حواشی ایجاد شده در خصوص بخش سرریال تاسیان و اعتراضات به آن، نمونه‌ای از مشکلاتی است که در نتیجه عدم وجود یک چهارچوب خاص مبتنی بر سنت، فرهنگ و مذهب ایجاد شده و سبب گردیده به هر حال بخشی از جامعه نسبت به آن واکنش نشان دهد. موضوع تنظیم‌گری در حوزه رسانه‌ها معمولاً شامل محتوای آثار نیز می‌شود، اما این تنظیم‌گری باید براساس معیارهای قانونی و قابل پیش‌بینی انجام شود. قطعاً صداوسیما می‌تواند با تولید محصولات فاخر به تقویت تولید آثار باکیفیت و جذاب بپردازد. تلویزیون باید با حمایت از هنرمندان و تولیدکنندگان خلاق، ایجاد فضای رقابتی و استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی، به تولید آثاری بپردازد که بتوانند رضایت مخاطبان را جلب کنند و با رسانه‌های خارجی رقابت کنند. جذب مخاطب در عصر حاضر نیازمند تولید محتوای جذاب، خلاقانه و متنوع است.

در نهایت، با توجه به چالش‌های موجود در حوزه رسانه‌های تصویری به نظر می‌رسد که وجود یک نظام صنفی قوی و مستقل می‌تواند به سازماندهی یک نظام چهارچوب‌دار و همدفند فارغ از امکان اقدام برای سلب حق شخصی یا صنفی کمک کند و فضای رقابتی سالم‌تری را برای تولیدکنندگان محتوا فراهم آورد. امیدواریم که با همکاری همه ذینفعان، بتوانیم به سمت یک فضای رسانه‌ای باکیفیت‌تر حرکت کنیم.

صنوف مطالبه‌گر نیستند

مهدي کوهيان کارشناس ارشد حقوق ارتباطات



مهدي کوهيان



با توجه به چالش‌های موجود در حوزه رسانه‌های تصویری به

نظر می‌رسد که وجود یک نظام صنفی قوی و مستقل می‌تواند به سازماندهی یک نظام

چهارچوب‌دار و هدفمند فارغ از امکان اقدام برای سلب حق شخصی یا صنفی کمک کند و فضای رقابتی سالم‌تری

را برای تولیدکنندگان محتوا فراهم آورد. امیدواریم که با همکاری همه ذینفعان، بتوانیم به سمت یک فضای رسانه‌ای باکیفیت‌تر حرکت کنیم



صنف‌هایی مانند سینما نیز از آنجایی که بیشتر شبیه NGO هستند تا تشکل صنفی! در واقع محافلی صنفی هستند، نه یک نظام صنفی واقعی.

اجازه دهید یک سؤال اساسی بپرسم: چرا ما در ایران باید چهار تشکل تهیه‌کنندگی داشته باشیم؟



گزارشی تحلیلی «ایران» درباره اختا چه کسی تنظیم

که باعث وابستگی بیشتر رسانه‌ها می‌شود. رسانه‌هایی که وابسته به دولت هستند، برای حفظ مجوز یا پول، خودسانسوری می‌کنند و این بزرگ‌ترین ضربه به آزادی بیان و استقلال رسانه‌هاست.

به اعتقاد من، زمانی که نظام صنفی قوی باشد، این وظایف می‌تواند از دولت به آنها بازگرداندن شود؛ به شرط اینکه میان خود صنوف تقاهم ایجاد شده و یک تشکل صنفی واقعی و واحد شکل بگیرد و ساختارهای پراکنده و ضعیفی که امروز داریم اصلاح شود.

مهم‌ترین راه‌حل رفع این مهم این است که صنوف فعلی ادغام شوند و دعوای بی‌معنا را پایان دهند. یک نهاد واحد و قوی باید شکل بگیرد که نماینده واقعی رسانه‌ها باشد و در ادامه وظایف صنف مانند تنظیم‌گری اقتصادی، استانداردهای حرفه‌ای و حفاظت از حقوق قانونی پدیدآورندگان محتوا، به کمک دولت روی مسائل سازمان صدا و سیما از سوی رهبر معظم انقلاب مستقیم بر رسانه فاصله گرفته و به جای آن، تنها نقش نظارتی و حمایتی داشته باشد.

جامعه، شبکه‌ای جدید یک زیست بوم ناگزیر است

سیدمرتضی موسویان رئیس انجمن سواد رسانه‌ای ایران و عضو هیأت علمی دانشگاه در این زمینه معتقد است که یکی از موضوعات سیاستی در حوزه رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر، اعطای مأموریت تنظیم‌گری صوت و تصویر فراگیر به سازمان صدا و سیما از سوی رهبر معظم انقلاب است. با توجه به تفسیر شورای نگهبان در خصوص اصول چهل و چهارم (۴۴) و یکصد و هفتاد و پنجم (۱۷۵) قانون اساسی مبنی بر انحصاری بودن وظیفه انتشار صوت و تصویر فراگیر برای صدا و سیما، نیاز به ایجاد ساز و کاری برای تنظیم‌گری تولید و انتشار محتوای صوت و تصویر در محیط پهن باند بود. خط‌کشی شورای عالی انقلاب فرهنگی بین وظایف سازمان صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نقطه پایانی در اختار تنظیم‌گری صدا و سیما از سوی رهبر معظم انقلاب بود. قوانین و مقررات موجود با توجه به تحولات فناوری و تغییر

مداخله می‌کند. امروز صداوسیما و حتی دولت می‌توانند بگویند «شما که حتی نمی‌توانید یک اتحادیه واحد داشته باشید، پس چطور می‌خواهید تنظیم‌گری کنید؟» «شما که هنوز روی بیمه و حقوق پرسنل خودتان توافق ندارید، چطور می‌خواهید قوانین اقتصادی رسانه را تنظیم کنید؟» صوفی که در حوزه رسانه نمی‌توانند روی حداقل‌های خودشان به تفاهم برسند، چطور می‌خواهند از حقوق رسانه‌ها دفاع کنند؟ این ضعف، فضای لازم را برای دخالت و اختلافات غیرضروری بودن و نتیجه آن، چنین طرح‌هایی شده که عملاً دولت و صداوسیما را وارد تنظیم‌گری صنفی کرده است.

مشکل اینجاست که صنوف رسانه‌ای هیچ‌وقت مسئولیت تنظیم‌گری را جدی نگرفتند و همیشه درگیر دعوای داخلی و بی‌نتیجه بودند. اما چه شد؟ دولت این تکلیف را اجرا نکرد، چون مطمئن بود که صنوف مطالبه‌گر نیستند. وقتی خود فعالان یک حرفه و صنف حاضر محتوا تنظیم‌گری حرفه‌شان را جدی بگیرند، دولت هم هیچ نیازی نمی‌بیند که اختیارات خود را کاهش دهد، از آن سوی، تشکل‌های صنفی هم مدام در حال رقابت‌های بی‌معنا و غیرضروری بودند و زمان را با درگیری‌های شخصی و گروهی تلف کردند و در نتیجه نهاد صنفی قوی که بتواند تنظیم‌گری صنفی را بپذیرد، تشکیل نشد.

صنف‌هایی مانند خانه سینما نیز از آنجایی که بیشتر شبیه NGO هستند تا تشکل صنفی! واقع محافلی صنفی هستند، نه یک نظام صنفی واقعی. اجازه دهید یک سؤال اساسی بپرسم: چرا ما در ایران باید چهار تشکل تهیه‌کنندگی داشته باشیم؟ اصل این اختلافات چیست؟ آیا نگاه اقتصادی آنها به کسب‌وکار فقر دارد؟ آیا مدل مدیریتی آنها متفاوت است؟ آیا یکی از اینها تا به حال یک مدل جدید برای تنظیم‌گری رسانه‌ای پیشنهاد داده است؟ هیچ فرقی با هم ندارند! همه‌شان می‌خواهند تهیه‌کنندگی را نمایندگی کنند، اما نتیجه‌ای که به دست آمده، چیزی جز تضعیف کل صنف تهیه‌کنندگی نیست. اختلافات شخصی و رقابت‌های بی‌معنا باعث شده که حتی حداقل وظایف تنظیم‌گری در این صنف هم انجام نشود.

در همه دنیا وقتی صنف ضعیف باشد، قدرت

سیدمرتضی موسویان